

# ارزیابی مواضع و عملکرد اتحادیه اروپا در قبال تحولات خاورمیانه

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	۱. روابط اتحادیه اروپا با حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا
۶.....	۲. ملاحظات و دغدغه‌های اتحادیه اروپا در قبال انقلاب‌های خاورمیانه و شمال آفریقا
۷.....	۱-۲. تشدید مهاجرت غیرقانونی به اروپا
۸.....	۲-۲. گسترش انقلاب‌های منطقه به اروپا
۱۰.....	۲-۳. به خطر افتادن منافع اقتصادی
۱۱.....	۲-۴. رشد اسلام سیاسی
۱۲.....	۲-۵. رشد نفوذ ایران
۱۴.....	۳. واکنش اتحادیه اروپا به تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا
۱۴.....	۳-۱. خارج کردن شهروندان اتحادیه اروپا از مناطق بحرانی
۱۵.....	۳-۲. جلوگیری از افزایش مهاجرت‌ها به اروپا
۱۵.....	۳-۳. رایزنی با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی
۱۶.....	۳-۴. تحریم برخی مقامات کشوری و لشگری
۱۷.....	۳-۵. اعطای کمک
۱۷.....	۳-۶. تلاش برای مداخله در روند نظام‌سازی در کشورهای انقلابی
۱۸.....	۳-۷. مشارکت در اقدام نظامی علیه لیبی
۲۰.....	۴. تحلیل و ارزیابی
۲۸.....	پی‌نوشت‌ها



## ارزیابی مواضع و عملکرد اتحادیه اروپا در قبال تحولات خاورمیانه

### چکیده

اتحادیه اروپا از جمله بازیگران مهم در جریان تحولات انقلابی یک سال اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می‌شود. اتحادیه و دولت‌های اروپایی تا جایی که منافع و ملاحظات سیاسی یا اقتصادی‌شان اقتضا می‌کرد مواضع اعلامی و اعمالی فعالی را در قبال این انقلاب‌ها در پیش گرفتند و حتی تا سطح مداخله نظامی در لیبی وارد عمل شدند. با این حال آنجایی که انقلاب‌های مردم منطقه با منافع و علایق آنها همخوانی نداشت (نظیر انقلاب مردم بحرین)، سیاست سکوت در قبال سرکوب این انقلاب‌ها به استراتژی اصلی اتحادیه اروپا و اعضای آن تبدیل شد. این امر بیش از هر چیز برخورد دوگانه اروپا با انقلاب‌های خاورمیانه و شمال آفریقا را به تصویر می‌کشد.

### مقدمه

وقایع انقلابی در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا در یک سال گذشته در زمره مهمترین تحولات سیاسی این حوزه طی دهه‌های اخیر بوده است. این تحولات آرایش جدیدی در منطقه ایجاد و چهره نوینی از آن را ترسیم کرده است. انقلاب‌های مردمی

در این حوزه که با خیزش مردم تونس و سرنگونی حکومت بن‌علی در این کشور آغاز شد و با گسترش انقلاب به سایر کشورهای منطقه از جمله مصر، لیبی، یمن و بحرین ادامه یافت، شرایط و فضای سیاسی نوینی را در این منطقه استراتژیک ایجاد کرده است. سرنگونی نظام‌های دیکتاتوری و به‌مخاطره افتادن موجودیت نظام‌های اقتدارگرا، آغاز فرآیند گذار سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا را در پی داشته و از این جهت مرحله‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ این منطقه محسوب می‌شود. تردیدی وجود ندارد که این تحولات پیامدهای مهمی برای منطقه به همراه خواهد داشت.

این پیامدها هم در سطح داخلی به‌ویژه در چارچوب روندها و فرآیندهای سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه قابل پیش‌بینی است و هم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قابل ردیابی است. اساساً تحولات چشمگیر در سطوح داخلی تأثیرات قاطعی در حوزه سیاست خارجی هر کشور به همراه دارد و همین مسئله سرآغاز تحولات مهم در ترتیبات سیاسی حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده که بازخورد منطقه‌ای و بین‌المللی آن اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. همچنان‌که وقوع انقلاب اسلامی در ایران، در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، تأثیر ژرف و شگرفی بر شرایط سیاسی خاورمیانه برجای گذاشت و آرایش بین‌المللی در این منطقه را با تغییرات عمیقی مواجه ساخت، قابل پیش‌بینی است که تحولات انقلابی اخیر در منطقه نیز فرآیندهای سیاسی در این حوزه را که ناظر بر آرایش موجود در روابط میان کشورهای منطقه با خود و با بازیگران فرامنطقه‌ای است به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. این تأثیر بر تغییر در صف‌بندی‌ها و اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی در منطقه دلالت خواهد داشت.



اهمیت تحولات انقلابی در خاورمیانه و شمال آفریقا سبب شد تا بازیگران ذینفع در منطقه به‌طور دقیق تحولات این حوزه را پیگیری کرده و به بازتعریف منافع و سیاست‌های خود در قبال این تحولات بپردازند. در میان بازیگران اصلی این منطقه، اتحادیه اروپا و دولت‌های اصلی عضو آن در زمره مهمترین بازیگران محسوب می‌شوند که در قبال تحولات منطقه مواضع فعالی را در هر دو سطح اعلامی و اعمالی اتخاذ کرده‌اند. به‌ویژه مشارکت کشورهای چوَن فرانسه و انگلیس در جنگ بر ضد رژیم معمر قذافی در کنار اقداماتی نظیر تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی در مورد منطقه و رایزنی‌های گسترده سیاسی از حضور فعال اروپایی‌ها در تحولات منطقه حکایت دارد. این حضور با هدف حفظ منافع کشورهای اروپایی در شرایط متحول و نوین خاورمیانه جدید به انجام می‌رسد. ازاین‌رو در بررسی سیاست‌ها و مواضع بازیگران مداخله‌گر در انقلاب‌های منطقه، بررسی سیاست‌های اتحادیه اروپا از اهمیت خاصی برخوردار است. این امر البته مستلزم تبیین و شناخت جایگاه این منطقه در ملاحظات فرامرزی اتحادیه اروپاست. ازاین‌رو این گزارش پس از تبیین این جایگاه، ملاحظات و مواضع اتحادیه اروپا در قبال تحولات منطقه را مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۱. روابط اتحادیه اروپا با حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا

حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود از گذشته جایگاه مهمی در ملاحظات کشورهای اروپایی داشته است. به همین دلیل، از اوایل دهه ۱۹۶۰، جامعه اروپا مجموعه‌ای از موافقتنامه‌های همکاری دوجانبه با

همسایگان خود در حوزه مدیترانه را منعقد ساخت. موافقتنامه‌ها به‌ویژه ناظر بر ارائه کمک به کشورهای این حوزه بود. در سال ۱۹۹۵ این قراردادها روزآمد شدند و در چارچوب آنچه به‌عنوان «فرآیند بارسلون»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود توسعه پیدا کردند.

فرآیند بارسلون چارچوبی را برای یک برنامه بلندپروازانه‌تر برای توافقات موسوم به «یورو - مدیترانه»<sup>۲</sup> میان اتحادیه اروپا و شرکای مدیترانه‌ای آن فراهم ساخت. این چارچوب، دسترسی تجاری و همکاری اقتصادی بهتر و فضای سیاسی‌تر (تحت تأثیر منازعه اعراب و اسرائیل) را میسر کرد. توافقات یورو - مدیترانه همچنین با موضوع مهاجرت از جمله حق اتحادیه اروپا برای بازگرداندن مهاجرین غیرقانونی و نیز با موضوع حقوق بشر و بحث حکمرانی خوب و حاکمیت قانون مرتبط بود. اتحادیه اروپا ادعا می‌کند که مذاکره در مورد این موافقتنامه‌ها گهگاه به‌علت مقاومت برخی شرکا در برابر موضوع حقوق بشر و شروط تعلیق مرتبط با آن دشوار بوده است.

درحال حاضر الجزایر، مصر، اسرائیل، اردن، لبنان، مراکش، حکومت خودگردان فلسطین و تونس «توافقتنامه‌های اتحاد» با اتحادیه اروپا دارند. این معاهدات طرف ثالث را قادر می‌کند تا بخشی از برنامه‌های کمک اتحادیه اروپا باشد، اما در عین حال خواستار اعمال اقداماتی از جانب کشور ثالث نظیر تلاش برای استقرار حاکمیت قانون برای بهبود وضعیت حقوق بشر است.

در ادبیات سیاسی اتحادیه اروپا این منطقه بخشی از «سیاست همسایگی اروپا»<sup>۳</sup> را تشکیل می‌دهد. این سیاست درصدد قادر ساختن کشورهای نزدیک به اتحادیه

---

1. Barcelona Process

2. Euro Mediterranean

3. European Neighbourhood Policy (ENP)



اروپا برای بهره‌مندی از روابط نزدیک با این اتحادیه بدون پیوستن به آن در آینده است (تنها کشورهای اروپایی می‌توانند به اتحادیه اروپا بپیوندند).

روابط اتحادیه اروپا با کشورهای جنوب و شرق مدیترانه به‌طور ویژه در مجمع «اتحادیه برای مدیترانه»<sup>۱</sup> مورد توجه قرار می‌گیرد. این مجمع در سال ۲۰۰۸ به‌منظور جایگزینی با فرآیند بارسلون تأسیس شد. در این راستا، مجموعه‌ای از اقدامات همکاری‌آمیز از جمله پروژه‌های توسعه اقتصادی، اقداماتی برای حل مشکل آلودگی در دریای مدیترانه و پروژه انرژی با هدف کنترل انرژی خورشیدی آغاز شده‌اند، اما مجمع اتحادیه برای مدیترانه دستاورد سیاسی مورد نظر اتحادیه اروپا را به بار نیاورد. این مجمع به یک فاکتور مهم در منازعات مربوط به آینده کشورهای جنوب مدیترانه یا به بازیگری در مذاکرات سیاسی تبدیل نشد.

این امر ممکن است بازتابی از عدم اعتقاد به این پروژه در داخل اتحادیه اروپا باشد. این واقعیت که هیچ‌یک از کشورهای عضو اتحادیه برای مدیترانه کشورهای دمکراتیکی نبودند (نظیر تونس، مصر و...) به تردیدها در داخل اتحادیه اروپا در مورد ارزش و اهمیت این نهاد افزود. از سوی دیگر از نظر کشورهای طرف این نهاد، مجمع اتحادیه برای مدیترانه بیشتر نهادی بود که اهداف و منافع اتحادیه اروپا را تأمین می‌کرد، تا ملاحظات و منافع خاص این کشورها را.

پیشنهاد تأسیس اتحادیه برای مدیترانه در سال ۲۰۰۸ پس از برگزاری دو اجلاس مطرح شد و پس از آن این مجموعه به حالت تعلیق درآمد. مسئله‌ای که نشان می‌داد این نهاد فاقد انگیزه لازم برای فعالیت است.

مجمع «اتحادیه برای مدیترانه» و «سیاست همسایگی اروپا» هدف مشترکی داشتند. این هدف عبارت بود از نزدیک کردن کشورهای جنوب مدیترانه به اتحادیه اروپا و کشورهای عضو انجمن تجارت آزاد اروپا<sup>۱</sup> و ترکیه در منطقه تجارت آزاد یورو - مدیترانه.

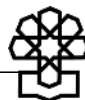
حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا به لحاظ اقتصادی نیز اهمیت بالایی برای اتحادیه اروپا دارد. کشورهای اتحادیه اروپا روابط تجاری مهمی با کشورهای جنوب مدیترانه دارند. حجم این روابط در سال ۲۰۰۹ بالغ بر ۲۲۴ میلیارد دلار بود.<sup>(۱)</sup> مسئله تأمین انرژی به‌ویژه نفت از این منطقه از اهمیتی حیاتی برای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن برخوردار است. این مسئله نیز در تبدیل حوزه شرق و جنوب مدیترانه به یک محور مهم در ملاحظات استراتژیک اروپا بسیار تأثیرگذار بوده است. این اهمیت از محرکه‌های اصلی حساس شدن اتحادیه اروپا نسبت به تحولات انقلابی اخیر در منطقه به حساب می‌آید.

## ۲. ملاحظات و دغدغه‌های اتحادیه اروپا در قبال انقلاب‌های خاورمیانه و

### شمال آفریقا

اهمیت خاورمیانه و شمال آفریقا برای اتحادیه اروپا، سبب شد که این اتحادیه دغدغه‌ها و نگرانی‌های مختلفی در قبال انقلاب‌های منطقه داشته باشد. گسترش موج انقلاب‌ها به جدی‌تر شدن دغدغه‌های اروپا منجر شد. این دغدغه‌ها طیف مختلفی از

1. European Free Trade Association (EFTA)



مسائل اقتصادی، سیاسی و امنیتی را شامل می‌شود. مهمترین آنها را می‌توان به شرح ذیل مورد اشاره قرار داد.

## ۲-۱. تشدید مهاجرت غیرقانونی به اروپا

یکی از مهمترین و فوری‌ترین نگرانی‌های اتحادیه اروپا نسبت به تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا موضوع مهاجرت آوارگانی بود که به دلیل گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در خاورمیانه و شمال آفریقا به کشورهای اروپایی کوچ می‌کردند. بروز انقلاب در این منطقه باعث شد که مهاجرین زیادی از کشورهایی چون تونس، لیبی و... به سمت اروپا مهاجرت کنند. اروپا از یک طرف با ملاحظات و الزامات بشردوستانه و ضرورت پناه دادن به این مهاجرین روبرو بود و از سوی دیگر تبعات اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی ناشی از این مهاجرت را پیش‌رو داشت. در این میان ایتالیا یکی از آسیب‌پذیرترین دولت‌های اروپایی به‌واسطه هجوم مهاجرین تونس، لیبیایی و حتی مصری پس از وقوع انقلاب‌های منطقه بوده است. مطابق با گزارش‌های منتشر شده، در پایان جولای ۲۰۱۱، ۲۴ هزار و ۷۶۹ تونسی و ۲۳ هزار و ۲۶۷ لیبیایی پس از وقوع انقلاب در این کشورها وارد خاک ایتالیا شدند.<sup>(۲)</sup>

موضوع مهاجرت گسترده آوارگان به کشورهای اروپایی از چند جهت نگرانی اتحادیه اروپا را برمی‌انگیخت. اولاً این موضوع پتانسیل آن را داشت تا میان اعضای این اتحادیه بر سر مسائل مربوط به مهاجرت اختلاف ایجاد کند. کمابینه پس از ورود مهاجرین تونس، لیبیایی، سیلیویو برلسکونی نخست‌وزیر وقت این کشور خواستار سهم شدن همسایگان اروپایی ایتالیا در هزینه‌های ناشی از این مهاجرت

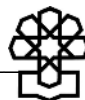
شد. با این حال دولت فرانسه، ایتالیا را متهم کرد که بدون حل مشکلات مربوط به موضوع مهاجرت، در حال فرستادن و استقرار مهاجرین در سراسر مرز فرانسه است.<sup>(۳)</sup> این اظهارنظرها نشان داد که موضوع مهاجرت آوارگان از کشورهای انقلابی به کشورهای اروپایی می‌تواند اختلافات درونی در اتحادیه اروپا بر سر مهاجرت را افزایش دهد.

ثانیاً کشورهای اروپایی نسبت به تبعات و مشکلات اجتماعی ناشی از حضور مهاجرین دغدغه و نگرانی جدی داشته و دارند. عدم تجانس فرهنگی میان مهاجرین با جامعه میزبان و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن از مسائل مهم مربوط به موضوع مهاجرت است که در یک سال اخیر نگرانی اتحادیه اروپا را برانگیخته است. این وجه از نگرانی اتحادیه اروپا نیز در نتیجه انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه به شدت افزایش یافته است.

ثالثاً اتحادیه اروپا به شدت از تبعات اقتصادی مهاجرت هراس دارد. به‌ویژه در حالی که کشورهای اروپایی دوره طولانی از رکود سخت و بحران عمیق اقتصادی را پشت سر می‌گذارند، این نگرانی برای آنها وجود دارد که افزایش مهاجرت به این کشورها به واسطه تداوم ناآرامی‌ها در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، به تشدید مشکلات و تعمیق بحران اقتصادی کنونی آنها منجر شود.

## ۲-۲. گسترش انقلاب‌های منطقه به اروپا

یک دغدغه مهم اتحادیه اروپا در قبال انقلاب‌های حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا مسئله تسری الگوی اعتراضات مردمی به داخل اروپاست. نتیجه‌بخش بودن این



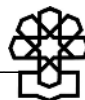
اعتراضات از حیث تغییر رژیم‌های سیاسی و هیئت حاکمه، نگرانی دولت‌های اروپایی از تکرار الگوهای مشابه در داخل کشورهای خود را بیشتر کرده است. نکته مهم در این میان آن است که برخی از شاخص‌ها و متغیرهایی که محرک انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا بودند، از جمله مشکلات عمیق اقتصادی و نرخ بالای بیکاری کم‌وبیش در کشورهای اروپایی که به شدت درگیر بحران اقتصادی هستند وجود دارد. در این میان، رشد اعتراضات مردمی و انتقاد جدی از سیاست‌های ریاضت اقتصادی در برخی کشورهای اروپایی نشان داد که نگرانی از تسری الگوی اعتراضات مردمی در خاورمیانه به داخل اروپا بی‌دلیل نبوده است. به‌ویژه آنکه بسیاری از شهروندان اروپایی که به سیاست‌های اقتصادی دولت‌هایشان معترض بودند، خود را ملهم از قیام مردم خاورمیانه معرفی کرده و با تجمع در میدان‌های اصلی شهرهایشان نام «میدان التحریر» را برای آن انتخاب می‌کردند. این مسئله بحران سیاسی تازه‌ای را برای برخی از مهمترین دولت‌های اروپایی ایجاد کرد و در نهایت به سقوط برخی دولت‌ها نظیر دولت برلستونی در ایتالیا منجر شد. این درحالی بود که برخی رسانه‌های غربی در اوایل سال جاری میلادی از الهام گرفتن مردم کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا از قیام مردم تونس و مصر خبر داده بودند.<sup>(۴)</sup> کارشناسان و صاحب‌نظران اروپایی اعتقاد داشتند که مالیات‌دهندگان، تاجار و کارگران ناامید اروپایی نیز همچون جوانان، اگر نه بیشتر از آنها، انگیزه آشوب دارند.<sup>(۵)</sup> شیوع اعتراضات خیابانی در کشورهای مهم اروپایی نظیر انگلیس، ایتالیا و... چنین موضعی را مورد تأیید قرار می‌داد. وجود سطح بالای نارضایتی در میان مردم، دولت‌های

اروپایی را نگران ابتلا به سرنوشت نظام‌های دیکتاتوری در کشورهای انقلابی خاورمیانه کرد.

### ۲-۳. به خطر افتادن منافع اقتصادی

اتحادیه اروپا به شدت به منابع انرژی خاورمیانه وابسته است. به خطر افتادن جریان انتقال انرژی به کشورهای اروپایی در نتیجه گسترش تحولات انقلابی در این کشورها، دغدغه مهم این اتحادیه بوده است. از سوی دیگر انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا باعث افزایش قیمت نفت شده است. این افزایش قیمت تأثیری کشنده بر فرآیند احیای اقتصاد جهانی<sup>۱</sup> دارد.<sup>(۱)</sup> حدود دوسوم از ذخایر نفت جهان و تقریباً نیمی از ذخایر گاز جهان در منطقه خاورمیانه قرار دارد. گسترش ناآرامی‌ها در خاورمیانه می‌تواند باعث افزایش بهای نفت و گاز شده و مشکلات جدیدی را برای اقتصاد کشورهای اروپایی که در حال حاضر با چالش‌های رکود و تورم دست‌وپنجه نرم می‌کنند ایجاد کند.

بحران‌های خاورمیانه در طول تاریخ عامل سه رکود عمده از پنج رکود اقتصادی جهان بوده که به افزایش چشمگیر بهای نفت منجر شده است. از این رو نگرانی اصلی اتحادیه اروپا در حوزه اقتصادی مربوط به تأثیر تحولات سیاسی خاورمیانه بر وضعیت انرژی در منطقه بوده است. به همین دلیل برخی اعتقاد دارند که سیاست اتحادیه اروپا در قبال خاورمیانه براساس سیاست حفظ وضع موجود بنا



شده است. برهم خوردن این وضع در پرتو بیداری اسلامی در خاورمیانه دغدغه‌های اقتصادی مهمی را برای این اتحادیه و کشورهای عضو آن ایجاد کرده است.

#### ۴-۲. رشد اسلام سیاسی

یک پایه اصلی حمایت غربی‌ها و ازجمله اتحادیه اروپا از رژیم‌های دیکتاتوری در خاورمیانه، همراستایی مواضع آنها با غرب در خصوص مبارزه با اسلامگرایی و گروه‌های اسلامی در منطقه بوده است. این رژیم‌ها، ابزار اصلی غرب در سرکوب اسلام سیاسی در خاورمیانه بوده‌اند. بر همین اساس با آغاز سونامی انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا و کنار رفتن رژیم‌های سکیولار در کشورهای چون تونس و مصر، بازیگران غربی نگرانی جدی نسبت به روی کار آمدن اسلامگرایان در این کشورها پیدا کرده‌اند.

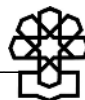
روی کار آمدن اسلامگرایان به معنای تغییر بنیادین در معادلات سیاسی منطقه و به‌خطر افتادن منافع غرب خواهد بود و ازاین‌رو طبیعی است که بازیگران غربی و ازجمله اتحادیه اروپا حساسیت بالایی نسبت به تحولات جاری در منطقه داشته باشند. به‌ویژه تقویت موقعیت جبهه مقاومت در خاورمیانه طی سال‌های اخیر نگرانی غربی‌ها در این زمینه را مضاعف کرده است. پیروزی حزب اسلامگرایی النهضه در تونس، محبوبیت اسلامگرایان در مصر و اعلام تنظیم مقررات و قوانین جدید لیبی بر پایه مبانی اسلام ازسوی رهبران جدید این کشور، همگی نشان می‌دهد که خاورمیانه فاز جدیدی از حیات سیاسی خود را آغاز می‌کند. مرحله نوینی که با تقویت

اسلامگرایی نه تنها در چارچوب‌های گفتمانی، بلکه در ساختارهای سیاسی و قدرت ملازمت دارد.

این درحالی است که برخی نویسندگان و صاحب‌نظران غربی نظیر «جان برادلی» معتقدند که با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم در خاورمیانه، اسلامگرایان قادر به پر کردن خلأ قدرت ناشی از وقوع انقلاب‌ها در منطقه خواهند بود.<sup>(۷)</sup> اساساً این اعتقاد وجود دارد که دموکراسی بیشتر در خاورمیانه، اسلام سیاسی بیشتری را در کشورهای منطقه به همراه می‌آورد.<sup>(۸)</sup> این وضعیت که از آن با عنوان «بیداری اسلامی» یاد می‌شود نگرانی مهم دیگر اتحادیه اروپا نسبت به تحولات جاری در منطقه را تشکیل می‌دهد.

## ۲-۵. رشد نفوذ ایران

نگرانی مهم دیگر بازیگران غربی نسبت به تحولات خاورمیانه مربوط به افزایش نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. به‌ویژه آنکه طی سال‌های اخیر مجموعه تحولات خاورمیانه از جمله تحولات لبنان، عراق و فلسطین از تقویت موقعیت و نفوذ ایران در منطقه حکایت دارد. محرکه‌های بالقوه و بالفعل قابل اعتنایی برای تعمیق نفوذ ایران در منطقه وجود دارند. انقلاب اسلامی ایران الگوی مبارزات مردم کشورهای منطقه در مبارزه با رژیم‌های دیکتاتوری است. شباهت روشی و روندی قیام‌های مردمی در منطقه با انقلاب اسلامی ایران الگوپذیری مردم منطقه از انقلاب ایران را تأیید می‌کند.



از سوی دیگر، سرنگون ساختن رژیم‌های وابسته به غرب و تمایل برای کسب استقلال در سیاست‌های داخلی و خارجی تمایل به روی کار آوردن حکومت‌های مستقل و ملی را نزد مردم منطقه شدت بخشیده است و این رویکردی است که از ابتدای پیروزی انقلاب مورد تأکید نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. دیگر آنکه ایران پرچمدار احیای اسلام سیاسی و حاکمیت اسلام در منطقه است و با توجه به وجود گرایش عمیق در کشورهای انقلابی منطقه برای روی کار آوردن احزاب و گروه‌های اسلامگرا، این موقعیت پتانسیل بالایی را برای تعمیق نفوذ ایران در معادلات نوین منطقه ایجاد می‌کند. بر همین اساس بود که برخی رسانه‌ها در غرب از همان ابتدای شکل‌گیری انقلاب‌های خاورمیانه اعلام کردند که این انقلاب‌ها نقطه آغاز تغییر توازن قدرت در منطقه است که به تقویت موقعیت ایران منجر می‌شود. روزنامه نیویورک‌تایمز در این زمینه یادآور شده بود که پارادایم منطقه‌ای که به موجب آن کشورهای چوچون مصر با پشتیبانی غرب از ارتباط با اسرائیل حمایت کرده و در پی مهار حماس و حزب‌الله بودند از هم گسیخته است و در این وضعیت ایران برنده بزرگ تحولات منطقه محسوب می‌شود. نیویورک‌تایمز در تحلیل خود پیش‌بینی کرده بود که گروه‌های طرفدار ایران در مصر، تونس و دیگر کشورهای منطقه بر سیاست مسلط شوند.<sup>(۹)</sup> نگرانی از افزایش نفوذ و گسترش الگوی ایران در منطقه تا جایی بود که برخی مقامات غربی و صهیونیستی بلافاصله پس از سقوط حسنی مبارک از احتمال تبدیل مصر به «ایران دوم» در خاورمیانه خبر دادند. از این رو موضوع توسعه نفوذ ایران در منطقه یکی دیگر از نگرانی‌های جدی بازیگران غربی و از جمله اتحادیه اروپا در قبال تحولات انقلابی منطقه به حساب می‌آید.

### ۳. واکنش اتحادیه اروپا به تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا

با توجه به اهمیت تحولات انقلابی خاورمیانه و شمال آفریقا برای اتحادیه اروپا شاهد واکنش فوری این اتحادیه و اعضای آن به تحولات منطقه بودیم. برگزاری جلسات رسمی و غیررسمی بین مقامات اتحادیه اروپا در سطح سران دولت‌ها و نیز وزرای خارجه، تماس‌های مستمر بین مقامات کشورهای مؤثر و رایزنی‌های مسئول سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا، از جمله واکنش‌های اتحادیه اروپا نسبت به تحولات منطقه بود. به‌طور کلی مهمترین واکنش‌های اتحادیه اروپا به انقلاب‌های خاورمیانه را می‌توان در موارد ذیل مورد اشاره قرار داد:

#### ۳-۱. خارج کردن شهروندان اتحادیه اروپا از مناطق بحرانی

اتحادیه اروپا در یکی از فوری‌ترین واکنش‌ها به انقلاب‌های منطقه تلاش کرد تا شهروندان را از مناطق بحران خارج کند. این مسئله به‌خصوص در مورد لیبی که با خشونت و کشتار گسترده همراه بود، در اولویت قرار گرفت، اتحادیه اروپا هماهنگی‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به اقامت شهروندان کشورهای عضو در این کشورها انجام داد و در مرحله بعد کشتی و هواپیما برای انتقال آنها به کشورهای خودشان اعزام کرد.



### ۲-۳. جلوگیری از افزایش مهاجرت‌ها به اروپا

همچنان‌که مورد اشاره قرار گرفت، با افزایش ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی در مناطق بحرانی خاورمیانه، موج مهاجرت مردم این مناطق به اروپا شدت گرفت. این موضوع به‌خصوص برای دولت ایتالیا دردسرساز شد. با درخواست رسمی دولت ایتالیا، «آژانس اروپایی مدیریت همکاری‌های عملیاتی در مرزهای خارجی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا» (فرونِتکس)، عملیات مشترکی با نام «هرمس» را با هدف کنترل موج آوارگان آغاز کرد. تحولات دیگر کشورهای شمال آفریقا نیز امواج مهاجرت به سوی اروپا را تقویت نمود و از جمله موجب اختلافاتی در درون اتحادیه در مورد اجرای موافقتنامه شنغن و چگونگی مقابله با این چالش شد.

### ۳-۳. رایزنی با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی

متعاقب اوج گرفتن تحولات، اتحادیه اروپا با هدف هماهنگی اقدامات با دولت‌های مهم و مؤثر، تماس‌هایی را در این مسیر برنامه‌ریزی کرد. از جمله کاترین اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور سیاست خارجی و امنیتی در تماس‌هایش با وزرای امور خارجه آمریکا و روسیه، چگونگی واکنش به این تحولات را مورد بحث و بررسی قرار داد و در مواردی این گفتگوها منجر به ارائه بیانیه مشترک شد. مشارکت اتحادیه اروپا در کنفرانس‌های تماس نیز در همین راستا انجام پذیرفت.

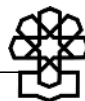
همچنین این اتحادیه با هدف تأثیرگذاری و حمایت از اقدامات سازمان‌های بین‌المللی مؤثر، هماهنگی با سازمان‌هایی چون سازمان ملل، ناتو، اتحادیه عرب، شورای هماهنگی خلیج فارس و اتحادیه آفریقا را افزایش داد و از اعمال قطعنامه‌های

سازمان ملل، به‌کارگیری نیروی نظامی توسط ناتو و برخی راه‌حل‌های ارائه شده از سوی سازمان‌های منطقه‌ای در موارد مورد توافق حمایت کرد. دلیل چنین رویکردی را می‌توان ناشی از این مسئله دانست که اتحادیه اروپا برای پیشبرد اهداف مورد نظر از ابزارها و منابع کافی برخوردار نیست و از این رو تلاش کرد بازیگران و منابع دیگری را نیز در مسیر مورد نظر خود همراه نماید. به‌علاوه، این اتحادیه در این مسیر، هدف کسب مشروعیت برای اقدامات خود، کاهش هزینه‌ها و ایجاد نیروی قوی‌تر را دنبال نمود.<sup>(۱۰)</sup>

### ۳-۴. تحریم برخی مقامات کشوری و لشگری

با اوج گرفتن اعتراضات در لیبی، مصر و برخی کشورهای منطقه تحریم‌هایی در مورد شماری از مقامات کشوری و لشگری این کشورها اعمال شد. این تحریم‌ها مشتمل بر محدودیت سفر و مسدود نمودن اموال و دارایی‌های این مقامات در خاک اتحادیه اروپا بود.

اتحادیه اروپایی همچنین با اعمال تحریم‌های مالی و بلوکه کردن اموال، بر برخی حکومت‌هایی که در معرض سقوط بودند، نظیر لیبی فشار آورده در اختیار قرار دادن بخشی از این اموال در اختیار نیروهای دولت انتقالی نیز در دستور کار قرار گرفت. پس از سقوط رژیم‌های مستبد، اتحادیه اروپا برنامه رفع تدریجی این تحریم‌ها را در پیش گرفت. ضمن اینکه اتحادیه اروپا از تحریم تجارت نفت و گاز علیه لیبی و سوریه نیز بهره گرفت تا بر منابع اصلی تأمین مالی این دولت‌ها تأثیرگذار باشد.



### ۵-۳. اعطای کمک

اتحادیه اروپا در قالب اعطای کمک‌های بشردوستانه نیز تلاش کرد تا جایگاه نیروهای مخالف را تقویت و ادامه مبارزه را تسهیل نماید. این موضوع به‌خصوص در قالب امدادرسانی به آوارگان لیبی و تونس، نمود بیشتری داشت. اتحادیه اروپا در این زمینه از همکاری سازمان‌های بین‌المللی نظیر برنامه جهانی غذا، بانک توسعه آفریقایی، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و نیز بانک اروپایی بازسازی و توسعه بهره برد.<sup>(۱۱)</sup> همچنین بانک اروپایی بازسازی و توسعه برای اولین بار توانست پول و سرمایه‌ای در اختیار کشورهای حوزه جنوب مدیترانه قرار دهد و منبع مضاعفی از تأمین سرمایه را در اختیار آنها قرار دهد.<sup>(۱۲)</sup>

### ۶-۳. تلاش برای مداخله در روند نظام‌سازی در کشورهای انقلابی

اتحادیه اروپا برای جلوگیری از روی کار آمدن دولت‌هایی که در آینده منافع آن را به‌خطر اندازد، تلاش نمود در روند دولت‌سازی در کشورهایی که حکومت قبلی آنها ساقط شده بود، دخالت کند. در مورد مصر، یکی از دغدغه‌های اصلی، امنیت اسرائیل بود که طی سال‌ها با همکاری رژیم حسنی مبارک تا حدی تأمین شده بود و گرایش‌های اخوان‌المسلمین محملی برای نگرانی در روند تحولات آتی کشور بود.

در راستای دخالت در روند نظام‌سازی این کشورها، اتحادیه اروپا در ۱۱ مارس ۲۰۱۱ با هدف تأثیرگذاری بر تحولات آتی منطقه مدیترانه جنوبی، برنامه مشارکت جدیدی را با این منطقه به تصویب رساند. این برنامه بر سه عنصر متمرکز بود:

۱. حمایت از روندهای انتقالی دمکراتیک و نهادسازی،

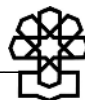
۲. مشارکت قوی‌تر جامعه مدنی،

۳. تشویق رشد پایدار.

به‌علاوه، یکی از هدف‌های عمده اتحادیه اروپا در این مسیر، جلوگیری از قدرت گرفتن گروه‌های اسلام‌گرا و یا گرایش‌های اسلامی در دولت‌های آینده بود. «لوئیس آمادو» معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه پرتغال به صراحت در این زمینه اظهار داشت که ما باید یاد بگیریم که چگونه با اسلام سیاسی زندگی کنیم و در عین حال چگونه اسلام رادیکال را در آغاز تحول سیاسی در این بخش از جهان عقب برانیم. برای رسیدن به این مسیر، اتحادیه اروپا برنامه‌های متعددی از قبیل تبلیغات منفی علیه گروه‌های اسلام‌گرا و افزایش تماس‌ها و حمایت‌ها از گروه‌های سکولار را دنبال کرد.<sup>(۱۳)</sup> این اقدام پاسخی به دغدغه جدی غرب در خصوص احتمال روی کار آمدن اسلام‌گرایان در کشورهای انقلابی بود.

### ۷-۳. مشارکت در اقدام نظامی علیه لیبی

کشورهای برجسته عضو اتحادیه اروپا به‌ویژه فرانسه و انگلیس در عملیات نظامی ناتو علیه لیبی مشارکت فعالی داشتند. پس از تعیین منطقه پرواز ممنوع در لیبی از سوی شورای امنیت، نیروی هوایی این کشورها به اعزام جنگنده‌های خود بر فراز لیبی برای حمله به نیروهای رژیم اقدام کردند. هریک از کشورهای برجسته عضو اتحادیه اروپا انگیزه‌های خاصی از مشارکت در عملیات نظامی بر ضد لیبی داشتند. در مورد فرانسه، این کشور نیاز به احیای اعتبار خود در حوزه خاورمیانه عربی داشت، اعتباری که به‌واسطه واکنش کند و اعتراض‌برانگیز به اعتراضات مردمی در



تونس به شدت تضعیف شده بود. در چارچوب این سیاست عربی، فاکتورهای متعددی از بازسازی قدرت نرم فرانسه تا ملاحظات انتخاباتی (در فاصله تنها یک سال مانده به انتخابات ریاست جمهوری فرانسه) نقش داشتند. سیاست‌های مداخله‌گرایانه نیکلا سارکوزی، با هدف افزایش نقش و نفوذ بین‌المللی وی صورت می‌گرفت و در نتیجه با انگیزه‌های شخصی او درست در زمان کاهش محبوبیتش در داخل ارتباط دارد. فرانسه با مشارکت فعال در تهاجم نظامی ناتو به لیبی، به دنبال بازسازی چهره خود و اثبات دوستی با مردم معترض عرب بود. فرانسه همچنین با گرفتن ژست حمایت از اصول بنیادین حقوق بشر مشارکت در حمله به رژیم قذافی را توجیه می‌کرد.

علاوه بر فرانسه، انگلیس نیز در عملیات نظامی ناتو بر ضد لیبی مشارکت فعالی داشت. دیوید کامرون نخست‌وزیر این کشور از ابتدا خواستار پاسخ قاطع و شدید به رژیم قذافی در لیبی بود. ویلیام هیگ وزیر خارجه او نیز با تأکید بر مفهوم «مسئولیت برای حمایت»،<sup>۱</sup> ضرورت دخالت اروپا را برای جلوگیری از بروز یک فاجعه انسانی در لیبی مورد تأکید قرار داد.<sup>(۱۴)</sup> انگلیس با طرح همین ادعا در حمله نظامی بر ضد نیروهای قذافی فعالانه شرکت جست.

#### ۴. تحلیل و ارزیابی

اتحادیه اروپا و کشورهای مهم عضو آن نظیر فرانسه و انگلیس از جمله بازیگران مهم در قبال تحولات انقلابی در خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می‌شوند. از آنجایی که اتحادیه اروپا حوزه خاورمیانه را در زمره مهمترین حوزه‌های مطرح در ملاحظات سیاست خارجی خود می‌داند، به‌طور طبیعی نسبت به انقلاب‌های حادث در این منطقه حساس بوده است. به همین دلیل با گسترش زمینه بروز انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه شاهد موضع‌گیری فعال اروپا در دو سطح اعلامی و اعمالی بودیم.

به‌طور کلی در بررسی مواضع اتحادیه اروپا و اعضای برجسته آن نظیر فرانسه و انگلیس در قبال انقلاب‌های خاورمیانه، ملاحظات به‌شرح ذیل قابل توجه است:

۱. نحوه برخورد اروپا با انقلاب‌های خاورمیانه آشکارا از سیاست‌ها و معیارهای دوگانه آن در برابر این انقلاب‌ها حکایت دارد. این اتحادیه در حالی در قبال تحولات سوریه به‌طور فعال موضع حمایت همه‌جانبه از مخالفان داخلی را اتخاذ کرده و با اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی علیه مقامات سوریه پروژۀ براندازی نظام سیاسی حاکم را دنبال می‌کند که در قبال انقلاب مردم بحرین کاملاً سکوت کرده و نسبت به کشتار وسیع مردم این کشور که خواسته‌ای جز حق دخالت در سرنوشت خود و روی کار آمدن یک دولت ملی را ندارند، بی‌تفاوت بوده است. این نحوه موضع‌گیری آشکارا با ملاحظات سیاسی اتحادیه اروپا پیوند دارد. عدم همسویی سوریه با سیاست‌های خاورمیانه‌ای اروپا خاصه در مورد رژیم صهیونیستی و روابط نزدیکش با ایران، سبب شده است که کشورهای اروپایی با طرح مواضع



حقوق بشری و ادعای حمایت از حقوق مردم در سوریه به حمایت آشکار از مخالفین دولت بشار اسد پرداخته و به‌طور همزمان در پی تشدید فشارها به نظام سیاسی این کشور برآیند. این درحالی است که نگرانی از روی کار آمدن شیعیان در بحرین و ترس از نزدیک شدن این کشور به ایران سبب شده است که کشورهای اروپایی در برابر نقض فاحش و آشکار حقوق بشر در بحرین توسط رژیم آل خلیفه و یا حضور نظامیان سعودی در خاک این کشور برای سرکوب اعتراضات مردمی سیاست سکوت را در پیش گرفته و از این طریق دست رژیم بحرین برای سرکوب مردم را بازتر کنند. از این رو تبعیت ملاحظات حقوق بشری اروپا از الزامات و انگیزه‌های سیاسی یکی از مهمترین روندهای قابل تشخیص در قبال نوع موضع‌گیری اروپا در قبال تحولات اخیر خاورمیانه است. همین مسئله علت اصلی اتخاذ معیارها و استانداردهای دوگانه اروپا در قبال تحولات اخیر خاورمیانه است.

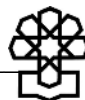
۲. اتحادیه اروپا و اعضای آن درحالی موضع حمایت از معترضان به رژیم‌های دیکتاتوری در برخی کشورهای خاورمیانه نظیر لیبی و مصر را در پیش گرفتند که پیش از این روابط اقتصادی و بعضاً سیاسی بسیار نزدیکی با آنها داشته و از طریق قراردادهای اقتصادی و تبادلات تجاری کمک مؤثری در تحکیم نظام‌های اقتدارگرای آنها داشته‌اند. به‌عنوان مثال دولت ایتالیا برای حدود چهار دهه روابط ویژه‌ای با لیبی داشت. لیبی عرضه‌کننده اصلی نفت برای ایتالیا و سومین صادرکننده گاز طبیعی به این کشور بود. روابط دوجانبه میان آنها نقش مؤثری در تحکیم موقعیت رژیم قذافی داشت. ایتالیا و لیبی در سال ۲۰۰۸ یک توافقنامه دوستی<sup>۱</sup> به امضا رساندند که - در

---

1. Treaty of Friendship

کنار عذرخواهی رسمی ایتالیا از گذشته استعماری خود - روابط دوجانبه آنها را به شدت تقویت کرد.<sup>(۱۵)</sup>

۳. اساساً موضوع حقوق بشر و دمکراسی در گذشته در زمره اولویت‌های اتحادیه اروپا در برخورد با کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نبوده است. موضوع مهاجرت و امنیت انرژی دو مقوله اولویت‌دار این اتحادیه در برخورد با مسائل منطقه بوده است. اتحادیه اروپا در نوامبر ۲۰۰۸ در چارچوب توجه ویژه به این دو مقوله مذاکرات در مورد امضای یک موافقتنامه مبنایی با لیبی را با هدف ایجاد روابط قراردادی رسمی دوجانبه آغاز کرد. اتحادیه اروپا در سند راهبردی خود درخصوص لیبی موسوم به «سند استراتژی کشور لیبی برای سال ۲۰۱۱-۲۰۱۳» سلسله گسترده‌ای از اصلاحات در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، تجاری، محیط زیست و حاکمیت قانون) را به این کشور پیشنهاد کرده بود، اما در این سند توجه کمی به الزامات و اهداف دمکراتیزاسیون شده بود. براساس تحلیلی که از سوی مؤسسه «بروکینگز» ارائه شده است، دمکراسی و حقوق بشر هرگز در خط مقدم روابط اروپا با لیبی نبوده است و اساساً اتحادیه اروپا از طریق تدارک روابط رسمی با لیبی برای رفع نگرانی‌های دولت‌های عضو این اتحادیه صرفاً در دو حوزه انرژی و مهاجرت تلاش کرده است.<sup>(۱۶)</sup> بر همین اساس انگیزه مداخله نظامی کشورهای چونی فرانسه و انگلیس در لیبی و یا حمایت آنها از مخالفان حکومت بشار اسد در سوریه را نمی‌توان برحسب معیارهای حقوق بشری مورد تحلیل قرار داد. ملاحظات حقوق بشری بستر توجیهی تأمین منافع و ملاحظات سیاسی و اقتصادی این کشورها در خاورمیانه و شمال آفریقا است.



۴. بدون تردید بخشی از تلاش‌های پیدا و پنهان اروپایی‌ها در قبال تحولات انقلابی در خاورمیانه معطوف به فرصت‌سازی جهت کسب امتیازات لازم در پرتو این تحولات بوده است. به‌عنوان مثال دولت فرانسه با برگزاری نشست سران و نمایندگان ۶۳ کشور مختلف جهان در پاریس برای بررسی بحران لیبی - که به کنفرانس پاریس شهرت یافت - تلاش کرد تا از این ابتکار برای تأمین منافع خود در لیبی پس از قذافی بهره‌برداری نماید. براین اساس به‌موجب قراردادی که میان پاریس و شورای انتقالی لیبی در حاشیه این کنفرانس به امضا رسید، فرانسه ۳۵ درصد از صادرات نفت لیبی را به‌خود اختصاص داد. از این‌رو بسیاری از کارشناسان بر این اعتقادند که هدف فرانسه از برگزاری این کنفرانس تسلط کامل بر منابع نفتی لیبی در شرق این کشور بوده است و اینکه در بازسازی خرابی‌های لیبی بیشترین سهم را در اختیار شرکت‌های فرانسوی قرار دهد. این مسئله رویکرد منفعت‌طلبانه اروپایی‌ها در برخورد با تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا را به تصویر می‌کشد.

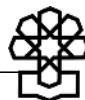
۵. برخی کشورهای اروپایی نظیر فرانسه تلاش کردند تا در پرتو دخالت در تحولات خاورمیانه موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را در رقابت با سایر قدرت‌های این قاره بهبود بخشند. این مسئله به‌ویژه در مورد رقابت فرانسه و ایتالیا در لیبی قابل تأیید است. در بین کشورهای اروپایی ایتالیا به‌دلیل برخورداری از روابط تجاری و اقتصادی با رژیم قذافی برخورد محتاطانه‌ای با بحران لیبی داشت. سیاست خارجی این کشور مبتنی بر الزامات حفظ وضع موجود بود و تنها پس از اعمال فشار از سوی برخی شرکای خارجی و نیز افکار عمومی داخلی، مقامات ایتالیایی علاوه‌بر ملاحظات ژئوپلیتیکی، برخی نگرانی‌ها در مورد نقض حقوق بشر در لیبی را مطرح کردند.

با تشدید بحران در لیبی چاره‌ای جز پایان دادن به سیاست عدم مداخله برای حکومت ایتالیا باقی نماند. با این حال، تأخیر در فاصله گرفتن از رژیم معمر قذافی موجب شد تا ایتالیا اهرم نفوذ خود بر اپوزیسیون لیبی را از دست بدهد و به‌طور چشمگیری نقش اصلی در تحولات لیبی را به فرانسه واگذار کند.<sup>(۱۷)</sup> از این رو برخی کارشناسان معتقدند که بحران لیبی به حاشیه رفتن ژئوپلیتیکی ایتالیا را در پی داشته است. به‌طور همزمان، فرانسه تلاش کرد تا از طریق مداخله نظامی در لیبی، تلاش‌های دیپلماتیک نظیر تشکیل کنفرانس پاریس و نیز انعقاد قراردادهای اقتصادی با شورای انتقالی لیبی موقعیت خود را در این کشور در رقابت با ایتالیا تحکیم نماید.

۶. یکی از مسائل مهمی که در خصوص مواضع و اقدامات اتحادیه اروپا نسبت به تحولات سیاسی اخیر در خاورمیانه مطرح است این است که آیا کیفیت سیاستگذاری در قبال این تحولات به تثبیت و پیشبرد سیاست نهادین اتحادیه اروپا یعنی «سیاست خارجی و امنیتی مشترک»<sup>۱</sup> و نیز «سیاست امنیتی و دفاعی مشترک»<sup>۲</sup> کمک کرده یا آن را تضعیف ساخته است. در واقع این تحولات چه تأثیری بر روح مشارکت جمعی در حوزه سیاست دفاعی و خارجی اروپا برجای گذاشته است. در قیاس با بحران کوزوو در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی که به مداخله نظامی ناتو در اروپا منجر شد و نمایانگر ضعف اروپا در برابر آمریکا در برخورد نظامی با تهدیدات بود، شاید بتوان تأیید کرد که نقش پررنگ فرانسه و انگلیس در حمله نظامی به لیبی مؤید بهبود موضع دفاعی و نظامی اروپا نسبت به گذشته است، با این حال مرور فرآیند ورود

1. Common Foreign and Security Policy (CFSP)

2. Common Security and Defence Policy (CSDP)



اتحادیه اروپا به تحولات انقلابی منطقه و مجموعه سیاست‌ها و تصمیمات آن نشان می‌دهد که اختلافات داخلی در این اتحادیه درخصوص سیاست‌های حاد و حساس، کماکان مانع اصلی در پیشبرد سیاست‌های دفاعی، امنیتی و خارجی مشترک است. اختلاف مواضع درخصوص مسائل منطقه تا آنجا بود که برخی از دیپلمات‌های اروپایی به‌طور انتقادی ابراز کردند که اتحادیه اروپا در مورد تحولات منطقه با یک صدا سخن نمی‌گوید.

به‌عنوان مثال در مورد بحران لیبی «کاترین اشتون» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و «هرمن وان رامپوی» رئیس شورای اروپا بیانیه‌های متفاوتی در مورد هدف مداخله نظامی در این کشور منتشر کردند. درحالی که رامپوی اعلام کرد که هدف از این مداخله تغییر رژیم در لیبی است اشتون بعدها این موضوع را رد کرد.<sup>(۱۸)</sup> میان مسئولان اتحادیه اروپا و مقامات دولت‌های اروپایی نیز اختلاف نظر وجود داشته است. در بیستم فوریه در همان روزی که کاترین اشتون نگرانی عمیق اتحادیه اروپا از خشونت‌های قذافی در لیبی را مورد تأکید قرار می‌داد، برلسکونی نخست‌وزیر وقت ایتالیا به رسانه‌ها اعلام کرد که تماسی با قذافی برای تغییر رفتارش نمی‌گیرد چراکه نمی‌خواهد او را مضطرب و آشفته سازد.<sup>(۱۹)</sup> این اظهار نظر درحالی صورت گرفت که بسیاری از مقامات اتحادیه اروپا خواستار تشدید فشارها بر قذافی بودند. برخی استدلال می‌کردند که مخالفت برلسکونی با تحت فشار قرار دادن قذافی ناشی از روابط شخصی نخست‌وزیر ایتالیا با رهبر لیبی است و دیگران بر نقش منافع اقتصادی قوی ایتالیا در لیبی به‌عنوان دلیل چنین موضعگیری تأکید می‌کردند.

موضوع دیپلماتیک دیگری که ناهماهنگی در میان اتحادیه اروپا را تأیید می‌کند به مواضع مختلف بازیگران اروپایی در مورد شورای انتقالی ملی لیبی مربوط می‌شود. یک روز پس از اجلاس فوق‌العاده شورای اروپا در یازدهم مارس، فرانسه شورای انتقالی لیبی را به‌عنوان تنها نماینده مشروع مردم این کشور به رسمیت شناخت و برای تبادل سفیر بین دو طرف اعلام آمادگی کرد. به گفته منابع دیپلماتیک، سایر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا از این تصمیم به‌عنوان یک حرکت یک جانبه ناخشنود شده و استدلال می‌کردند که این حرکت مانع از تحول استراتژی مشترک اتحادیه اروپا نسبت به این شورا خواهد شد. لازم به‌ذکر است که شورای اروپا در آن زمان شورای انتقالی را تنها به‌عنوان «طرف صحبت سیاسی» به رسمیت شناخت.<sup>(۲۰)</sup> در چهارم آوریل، ایتالیا نیز شورای انتقالی لیبی را به‌عنوان تنها طرف صحبت مشروع در روابط دوجانبه با لیبی به رسمیت شناخت.<sup>(۲۱)</sup> در آن زمان یکی از مقامات ایتالیا در انتقاد از اقدام فرانسه در به رسمیت شناختن یک جانبه شورای انتقالی، اظهار داشته بود که در مورد این قبیل مسائل باید در سطح اتحادیه اروپا تصمیم‌گیری شود.

مواضع کشورهای اروپایی در مورد موضوع مهاجرت آوارگان در کشورهای که دچار ناآرامی شده بودند نیز از تضاد منافع و دیدگاه‌های آنها حکایت داشت. پس از وقوع انقلاب تونس، فرانسه به‌شدت نگران مهاجرت مردم این کشور به خاک خود شد. ایتالیا علیرغم آگاهی از این موضوع که مهاجرین تونس، فرانسه را به‌عنوان مقصد نهایی خود انتخاب کرده‌اند، در پنجم آوریل اجازه اقامت موقت آنها را - که زمینه حضور آزادانه آنها در منطقه شنغن را فراهم می‌کرد - صادر کرد. در اجلاس



«شورای عدالت و مسائل داخلی»<sup>۱</sup> که در یازدهم آوریل در لوکزامبورگ برگزار شد، برخی کشورهای عضو به رهبری فرانسه و آلمان، ایتالیا را متهم به نقض روح پیمان شنکن کرده و تهدید نمودند که کنترل‌های مرزی را احیا خواهند کرد. وزیر کشور ایتالیا در واکنش به این موضع، شرکای کشورهای را به ناکامی در ابراز همبستگی متهم کرد و گفت ایتالیا در بین کشورهای اروپایی تنها مانده و اینکه در این شرایط احساس خوبی برای ماندن در اتحادیه اروپا باقی نمی‌ماند.<sup>(۲۲)</sup> این مسئله تعارض و تنش در داخل اتحادیه اروپا در مورد یکی از مسائل مرتبط با انقلاب‌های منطقه را به نمایش گذاشت.

یکی دیگر از نمودهای روشن ناهماهنگی در اتحادیه اروپا در قبال تحولات منطقه به موضوع همراهی با مداخله نظامی در لیبی مربوط می‌شود. در هجدهم مارس، آلمان از شرکای خود در اتحادیه اروپا و ناتو فاصله گرفت و به قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت رأی ممتنع داد. وزیر خارجه آلمان در توجیه این تصمیم اظهار داشت که مخاطرات مشارکت کشورش در عملیات نظامی بر مزایای آن برتری دارد.<sup>(۲۳)</sup> رأی ممتنع آلمان ناخرسندی و ناامیدی برخی کشورهای اروپایی نظیر فرانسه را در پی داشت و از نظر برخی کارشناسان باعث تضعیف سازوکارهای مدیریت بحران در سطح اتحادیه اروپا شد. با این حال نکته قابل تأمل این است که آلمان تنها کشور مخالف با عملیات نظامی در این اتحادیه نبود. به گفته یک مقام اروپایی برخی دیگر از اعضای اتحادیه اروپا موافق عملیات نظامی بر ضد لیبی در چارچوب «سیاست امنیتی

و دفاعی مشترک» نبودند. این مسئله نیز ناهماهنگی اعضا در هنگام اتخاذ تصمیمات حاد و حساس را به تصویر کشید.

به‌طور کلی پاسخ اتحادیه اروپا به تحولات منطقه هرچند در مواردی نظیر اعطای کمک‌های بشردوستانه و برقراری رژیم تحریم‌ها تاحدودی با هماهنگی و همراهی بالای اعضا به انجام رسید، اما فقدان هماهنگی و انسجام میان آنها در سایر حوزه‌ها به خوبی احساس شد. اتخاذ اقدامات و مواضع یک جانبه، اتهامات متقابل و گرایش‌ها و مواضع واگرایانه این ناهماهنگی را تأیید می‌کرد. از این رو، تحولات اخیر بیش از هر چیز فاصله زیاد اتحادیه اروپا با عملی شدن «سیاست خارجی و امنیتی مشترک» و «سیاست امنیتی و دفاعی مشترک» این اتحادیه را به اثبات می‌رساند.

### پی‌نوشت‌ها

1. "The EU and Arab Awakening", Euro Move, June 2011.
2. Evangelos Diamantopoulos, "The Arab Spring and its Consequences on the Euro-Mediterranean Migration Flows", Center for Mediterranean, Middle East and Islamic Studies, 9 October, 2011.
3. "Why Arab Spring Matters to Immigrants In Europe?", Middle East Online", 21/7/2011.

۴. برای مثال نگاه کنید به:

- "Middle East Revolution Spreading into Europe", Examiner, 7 February, 2011.
5. Justice Little, "The Youth Revolution Spreads to Europe", Financial Sense, 24/5/2011.
6. Andre Michael Eggelletion, "The Economic Consequences of Revolutions in the Middle East", Real Deal Talk Website, 18 April, 2011.
7. John R. Bradley, After The Arab Spring: How Islamist Hijacked the Middle East Revolts, Macmillan, 2012.



8. "Arab Spring Boosts Political Islam, But Which Kind?", Reuters, 26 October, 2011.
9. Michael Slackman, "Arab Unrest Propels Iran as Saudi Influence Declines", New York Times, 23 February, 2011.
۱۰. زنگنه، حمید. «اتحادیه اروپا و بهار عربی»، مقاله ارائه شده در همایش ایران و اروپا: تجارب پیشین، چشم‌انداز پیش‌رو، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، دوم و سوم آبان‌ماه ۱۳۹۰.
۱۱. همان.
12. The EU and Arab Awakening, Op.cit.
۱۳. زنگنه، پیشین.
14. Ruth H. Santini, "The Libyan Crisis Seen From European Capitals", Brookings Institution Website, 6 November, 2011.
15. C. Gazzini, "Assessing Italy's Grande Gesto to Libya", Middle East Reports Online, 16 March, 2009.
16. Santini, Op.cit.
17. **Ibid.**
18. Martin Banks, "Barroso leaps to defence of EU foreign policy chief", The Parliament, 5 April 2011.
19. Deepa Babington, "Berlusconi under fire for not 'disturbing' Gheddafi", Reuters, 20 February 2011.
20. Council of the European Union, Declaration of the Extraordinary European Council, 11 March 2011.
21. Italian Ministry of Foreign Affairs, Focus-Libya: Frattini, the NTC is Italy's only interlocutor, 4 April 2011.
22. Justyna Pawlak, "Italy quarrels with EU partners over Libyan migrants", Reuters, 11 April 2011.
23. German Federal Foreign Office, Policy statement by Federal Minister Westerwelle in the German Bundestag on current developments in Libya (UN Resolution), www.auswaertigesamt, 18 March 2011.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۸۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ارزیابی مواضع و عملکرد اتحادیه اروپا در قبال تحولات خاورمیانه

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مهدی امیری

ناظر علمی: محمد جمشیدی

مقتضای: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. اتحادیه اروپا

۲. فرانسه

۳. انگلیس

۴. خاورمیانه

۵. شمال آفریقا

۶. تحولات انقلابی

۷. تونس

۸. مصر

۹. لیبی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۹/۲۱